

مصاحبه زیست سیهر با تانیا روزن

هلیا خاتمی

مصاحبه

دانشجو ارشد آلودگی‌های محیط‌زیست دانشگاه تهران

helia.khatami@ut.ac.ir

لطفاً خودتان را برای مخاطبان ما معرفی بفرمایید.



من تانیا روزن یک زیست‌شناس حفاظت هستم، که از سال ۲۰۰۸ تا کنون در آسیای مرکزی و منطقه قفقاز مشغول به فعالیت‌های حفاظتی بودم و پیش از آن هم سال‌های زیادی در حفاظت از جمعیت خرس‌های قهوه‌ای و گرگ‌ها در منطقه‌ی یلو استون^۱ در ایالات متحده‌ی آمریکا فعالیت کرده‌ام. در ابتدای فعالیتیم در آمریکا برای سازمانی که منحصراً مربوط به حفاظت از خرس‌های گریزلی در منطقه‌ی یلو استون بود مشغول به کار شدم و سپس در یک سازمان مردم‌نهاد که به مسائل حفاظت متعددی مربوط به تعارض انسان‌ها و خرس‌ها و انسان‌ها و گرگ‌ها بود فعالیت داشتم. پس از آن در سال ۲۰۰۸ فرصت حمایت و فعالیت در پروژه‌ی پلنگ برفی در پاکستان را داشتم که اولین تجربه‌ی من از سفر به مناطق گسترده‌تر و دورتر برای امور حفاظتی بود. این موقعیت بعداً منجر به فرصتی شد تا روی موضوع پلنگ برفی در تاجیکستان، قرقیزستان، افغانستان، ازبکستان و قزاقستان هم کار کنم. بعد از آن فرصتی به دست آوردم تا بتوانم بر روی پلنگ ایرانی کار کنم. در واقع در سال ۲۰۱۷ برخی از همکارانم که روی پروژه‌ی پلنگ ایرانی در قفقاز فعالیت داشتند، از من دعوت کردند تا از پروژه آن‌ها دیدن کرده و به آن‌ها در مورد موضوع تعارضات بالقوه‌ی انسان و پلنگ ایرانی کمک کنم. در حال حاضر در گرجستان در منطقه‌ی قفقاز هستم و برای صندوق طبیعت قفقاز^۲ مشغول به فعالیت هستم. صندوق طبیعت قفقاز صندوقی است که در حال حاضر به حمایت از مناطق حفاظت‌شده‌ی گرجستان و ارمنستان می‌پردازد، اما احتمالاً در آینده آذربایجان را نیز در بر بگیرد. هدف آن حمایت از مناطق حفاظت‌شده و خصوصاً کارکنان این مناطق، به‌ویژه محیط‌بانان به عنوان خط مقدم حفاظت، می‌باشد. صندوق طبیعت قفقاز این کار را با توجه به حقوق و مزایای کارکنان مناطق حفاظت‌شده و توجه به نیازهای آن‌ها انجام می‌دهد و همزمان وظیفه دارد تا تمام جنبه‌های پایش حیات وحش را حمایت کرده و اطمینان حاصل کند که پایش انجام می‌شود؛ زیرا با استفاده از داده‌های این پایش است که می‌توانیم میزان اثر بخشی مناطق حفاظت‌شده در حفاظت از گونه‌های نماینده‌ی آن منطقه‌ی مورد حفاظت را بررسی کنیم. گرچه این صندوق در مرکز قفقاز است اما من با همکارانی که در آسیای مرکزی در کشورهای قرقیزستان، تاجیکستان و ترکمنستان بر روی پلنگ برفی کار می‌کنند و همچنین همکارانی که در ترکمنستان بر روی پلنگ ایرانی کار می‌کنند نیز همکاری دارم.



¹ Yellow Stone Region

² Caucasus Nature Fund (CNF)



چگونه به حفاظت حیات وحش علاقمند شدید؟

من از دوران کودکی به حیات وحش علاقه‌مند بودم. همچنین بخشی از خانواده‌ی من در منطقه‌ای کوهستانی در یوگوسلاوی و اسلونی زندگی می‌کردند، بنابراین از کودکی موقعیت‌های زیادی داشتم تا در مناطق کوهستانی وقت بگذرانم. از همان سن خیلی کم با خرس‌های قهوه‌ای مواجه شدم که این مواجهه‌ها به نوعی ارتباطم با خرس‌ها و به‌طور کلی گوشت‌خواران بزرگ را شکل داد. من هیچ‌گاه از آن‌ها احساس خطر نمی‌کردم و همیشه در مورد آن‌ها کنج‌کاو بودم و از هر موقعیتی که بتوانم در طبیعت آن گوشت‌خواران بزرگ جثه را تماشا کنم، استقبال می‌کردم. نکته جالب دیگر این است که در کودکی زمان زیادی را در ایتالیا که زادگاه من است گذرانده‌ام و در این کشور جمعیت‌های زیادی از گوشت‌خواران به علت دخالت‌های انسان‌ها منقرض شده‌اند. بعد از اینکه خرس‌ها در ایتالیا منقرض شدند، تلاش‌های زیادی در بخش‌هایی از کوهستان‌های ایتالیا برای معرفی مجدد خرس‌ها انجام شد. اکنون که سال‌های زیادی از آن اقدام گذشته است، جمعیت خرس‌ها سالم و رو به افزایش است. این داستان باعث شد تا من این احساس را داشته باشم که مکان‌هایی که گوشت‌خواران در آن‌ها وجود ندارند مناطق غمگینی هستند. زمانی که گوشت‌خواران از منطقه‌ای حذف می‌شوند، حتی اگر جمعیت‌هایی از گونه‌های دیگر وجود داشته باشد، آن منطقه مثل قبل نخواهد بود. برای مثال در گرجستان در سال‌های گذشته در تپه‌های خارج از پایتخت جمعیت‌هایی از پلنگ وجود داشت که بعدها منقرض شدند. جمعیت‌هایی از پلنگ در ارمنستان و آذربایجان و جمهوری‌های روسیه و چین نیز وجود دارد. اما من این احساس را دارم که بدون حضور پلنگ در گرجستان گویی چیزی در آن طبیعت کم است. ایران به دلیل این موضوع خیلی بی‌نظیر است زیرا به لطف پلنگ‌هایی که در ایران هستند، ما همچنان در قفقاز و ترکمنستان پلنگ داریم. بنابراین واقعاً امیدوارم که مردم به حفاظت از آن‌ها ادامه دهند و حضور آن‌ها را قدر بدانند حتی اگر زندگی کردن در کنار آن‌ها گاهی با دشواری‌هایی همراه باشد.



آیا عمده فعالیت شما بر روی پلنگ برفی است؟

من بر روی پلنگ برفی و پلنگ ایرانی کار می‌کنم. در منطقه‌ی قفقاز پلنگ برفی وجود ندارد و بنابراین تمرکز اصلی ما روی طعمه‌ی پلنگ ایرانی (شامل کل و بزها، قوچ‌ها و بخصوص بز کوهی داغستانی (*Capra cylindricornis*)) و تلاش برای یافتن نشانه‌هایی از پلنگ برای مشخص کردن نقطه‌ی حضور آن است. این نشانه‌ها برای این اهمیت دارند که حضور پلنگ را در منطقه اثبات می‌کنند. بنابراین بیشتر تمرکز من بر روی این حیوانات و همچنین خرس‌ها، گرگ‌ها و طعمه‌های آن‌هاست. زیرا حضور جانور به حضور طعمه آن وابسته است؛ همچنین زیستگاه‌هایی که این جانوران نیز باید حفاظت شوند.





دیدگاه شما در مورد حفاظت حیات وحش در ایران چیست؟

من بر روی پلنگ برفی و پلنگ ایرانی کار می‌کنم. در منطقه‌ی قفقاز پلنگ برفی وجود ندارد و بنابراین تمرکز اصلی ما روی طعمه‌ی پلنگ ایرانی (شامل کل و بزها، قوچ‌ها و بخصوص بز کوهی داغستانی (*Capra cylindricomis*)) و تلاش برای یافتن نشانه‌هایی از پلنگ برای مشخص کردن نقطه حضور آن است. این نشانه‌ها برای این اهمیت دارند که حضور پلنگ را در منطقه اثبات می‌کنند، بنابراین بیشتر تمرکز بر روی این حیوانات و همچنین خرس‌ها، گرگ‌ها و طعمه‌های آنهاست. زیرا حضور جانور به حضور طعمه‌ی آن وابسته است؛ همچنین زیستگاه‌هایی که این جانوران نیز باید حفاظت شوند.



کارهای حفاظت از حیات وحش خصوصاً برای خانم‌ها با توجه به شرایط در همه‌جای دنیا سخت و ایران نیز سخت‌تر است. توصیه شما به خانم‌های علاقه‌مند و در کل دانشجویان علاقه‌مند چیست؟

به دلایل مختلف این موضوع یک چالش بزرگ است. در آسیای مرکزی و همچنین کشورهایمانند ایران به دلایل مختلف، موانع زیادی بر سر راه دختران و زنان علاقه‌مند در زمینه‌ی اکولوژی حیات وحش و همچنین مطالعاتی که نیاز به گذراندن ساعات زیادی در عملیات صحرایی دارند، وجود دارد. از نظر من این خیلی تحسین برانگیز است که می‌بینم زنان و دختران علاقه‌مند زیادی در ایران در پروژه‌ها مشغول به کار هستند. به‌نظر من بخشی از این همکاری به علت ذوق و استعداد و تعهد خودشان است و بخشی از آن در برخی موارد می‌تواند مربوط به حمایت همکاران مرد آن‌ها باشد که درک می‌کنند که کار میدانی برای خانم‌ها می‌تواند با چالش‌هایی همراه باشد و بنابراین از خانم‌ها و فعالیت آن‌ها حمایت می‌کنند. به‌نظر من فعالیت دختران و زنان در کارهای میدانی دو بخش دارد، یک بخش علاقه و انگیزه‌ی خود فرد و بخش دیگر حمایت خانواده است. گاهی اوقات ممکن است خانواده‌ها نگران زنان و فرزندان دخترشان باشند و نخواهند آن‌ها در فعالیت‌های صحرایی حضور پیدا کنند. به همین علت است که حمایت همکاران مرد از خانم‌ها در این عرصه بسیار اهمیت دارد. هنگامی که در تاجیکستان و قرقیزستان کار می‌کردم اهمیت این موضوع را دریافتم. بسیار خوشحالم که می‌بینم خانم‌ها نیز پایه‌ی همکاران مرد خود در این زمینه مشغول به کار هستند. در گرجستان نیز که بسیار به اروپا نزدیک است برخی از این مشکلات وجود دارد که گاهی اوقات باعث می‌شود زنان بیشتر به کارهایی که عملیات میدانی زیادی نیاز ندارند مشغول شوند. به‌نظر من مردان زیست‌شناس و مردانی که در حوزه‌ی حفاظت فعالیت دارند باید زنان را تشویق به همکاری کنند. خود من نیز زمان زیادی را در عملیات‌های صحرایی گذرانده‌ام و از خودم برای زنان دیگر مثال می‌زنم که اگر من موفق به انجام این کار شده‌ام، پس شما نیز می‌توانید.





از نظر شما، کرونا چه تأثیری روی کار حفاظت از حیات وحش گذاشته است؟

کرونا چالش‌های مختلفی را برای حفاظت با خود به‌همراه داشته است. به‌عنوان مثال، در ترکمنستان شیوع این ویروس منجر به بسته‌شدن مرزها شد و هواپیمایی به این کشور وارد نمی‌شود. به همین علت بسیاری از همکاران من که در سطح بین‌المللی کار می‌کنند موفق نشده‌اند تا به ترکمنستان بروند و پروژه‌های محلی را حمایت کنند. حتی همکاران محلی ما در ترکمنستان نیز با چالش‌هایی روبرو شده‌اند. به‌عنوان مثال، به علت شیوع ویروس محدودیت‌هایی در برخی از مکان‌هایی که فعالیت‌های حفاظتی در آن‌ها انجام می‌شد در نظر گرفته شده بود و اکنون که این محدودیت‌ها برداشته شده‌اند، مشکلات دیگری وجود دارد. از جمله‌ی این مشکلات می‌توان به این اشاره کرد که نیاز است دوربین‌های تله‌ای بیشتری در مناطق مورد مطالعه‌ی این کشور قرار داده شود، اما راهی برای ارسال این تجهیزات و یا منابع مالی برای تأمین تجهیزات مورد نیاز آن‌ها وجود ندارد. سال گذشته قرقیزستان نیز به علت قرنطینه و در دسترس نبودن مناطق صحرایی در بخش‌هایی از سال با چالش‌هایی همراه بود؛ اما بنظرم بزرگترین چالش برای جوامع محلی بود که فقط از طریق این پروژه‌ها حمایت می‌شوند. زیرا بسیاری از مکانیسم‌هایی که برای درآمدزایی آن‌ها در نظر گرفته شده بود از راه گردشگری بود، که به علت قرنطینه سال گذشته و محدودیت‌هایی که هنوز وجود دارند، حضور گردشگرها در این مناطق بسیار محدود است. بنابراین بسیاری از منابع درآمدی که به تأمین هزینه‌های محیط‌بانان و فعالیت‌های حفاظتی اختصاص داشت دیگر وجود ندارند و فعالیت‌های حفاظتی مجدداً فقط وابسته به حمایت سازمان‌های حفاظت هستند. این موضوع باعث دشواری‌های بسیاری شده است. مثلاً بسیاری از گشت‌های حفاظتی که در گذشته انجام می‌گرفت اکنون دیگر وجود ندارند و به همین علت فرصت برای شکار در این مناطق بیشتر شده است.



در پایان اگر مطلب مهمی از نظر شما از قلم افتاده است، بفرمایید.

می‌خواستم بگویم که چالش‌ها و احساس ناامیدی که گاهی ممکن است به سراغمان بیاید نباید مانع کار ما شود و ما نباید دست از کار بکشیم. تحصیلات خود را ادامه دهید، موقعیت‌های تحصیلی خوب حتی در خارج از کشور را از دست ندهید و دنبال موقعیت‌های تحقیقاتی خوبی باشید تا بتوانید به حفاظت از حیات‌وحش ایران کمک کنید؛ زیرا اگر این کار را انجام ندهید، این میراث بی‌ظیروی که در کشورتان دارید از بین خواهد رفت. پس هیچ‌گاه دست از تلاش برندارید. من مطمئن هستم که با تلاش زیاد می‌توان، با وجود همه سختی‌ها، به حفاظت از حیات وحش کمک کرد.

